



## سرمایه گذاری مایکروسافت در امارات

مایکروسافت، ۱/۵ میلیارد دلار در شرکت هوش مصنوعی ۴۲۲ امارات متحده عربی سرمایه گذاری می کند. طی این قرارداد، غول فناوری آمریکایی یک کرسی در هیئت مدیره ۴۲۲ خواهد داشت. دیجیاتو ضمن اعلام این خبر نوشت، براساس گزارش رویترز، با این همکاری دو جانبه، ۴۲۲ اپلیکیشن ها و خدمات هوش مصنوعی خود را روی پلتفرم محاسبات ابری مایکروسافت، یعنی Azure اجرا خواهد کرد تا بتواند هوش مصنوعی پیشرفته را به مشتریان جهانی و شرکت های بزرگ ارائه دهد. با سرمایه گذاری مایکروسافت در ۴۲۲، برد اسمیت یک کرسی در هیئت مدیره شرکت اماراتی خواهد داشت. در واقع این دو شرکت با یکدیگر همکاری خواهند کرد تا زیرساخت های پیشرفته هوش مصنوعی را به کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و آفریقا بیاورند. این شراکت به دنبال مذاکرات پشت پرده بین دولت ایالات متحده و امارات انجام می شود که در آن ۴۲۲ موافقت کرد که از همکاری با چین فاصله بگیرد و به شرکت های فناوری غربی و آمریکایی روی بیاورد.



## زندان برای مقصر مرگ در صحنه فیلمبرداری

هانا گویتیز-رید، مسئول اصلی سلاح در فیلم «زنگار»، به دلیل مقصر شناخته شدن در تیراندازی مرگبار در سال ۲۰۲۱ به هالینا هاجینز، فیلمبردار فیلم توسط الک بالدوین-بازینگر فیلم-به ۱۸ ماه زندان محکوم شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، هانا گویتیز-رید در ماه مارس به دلیل بارگذاری اشتباه یک گلوله واقعی در هفت تیر الک بالدوین، به قتل غیر عمد متهم شد. مجازات این مسئول اسلحه، مهم ترین پیامد کیفری است که تاکنون در پیامدهای قانونی مرگ هاجینز وجود دارد، اما این پرونده هنوز تا پایان فاصله زیادی دارد. در طول محاکمه، دادستان ها هانا گویتیز-رید را به عدم رعایت رویه های ایمنی ضروری متهم و اعلام کردند که ناظر تسلیحات فیلم، هفت تیر کاملاً کارآمد مورد استفاده توسط بالدوین را با گلوله های مشقی و حداقل یک گلوله واقعی، پر کرده است. در این تیراندازی هاجینز ۴۲ ساله فیلمبردار فیلم-کشته و کارگردان فیلم-جول سوزا-نیز زخمی شد.



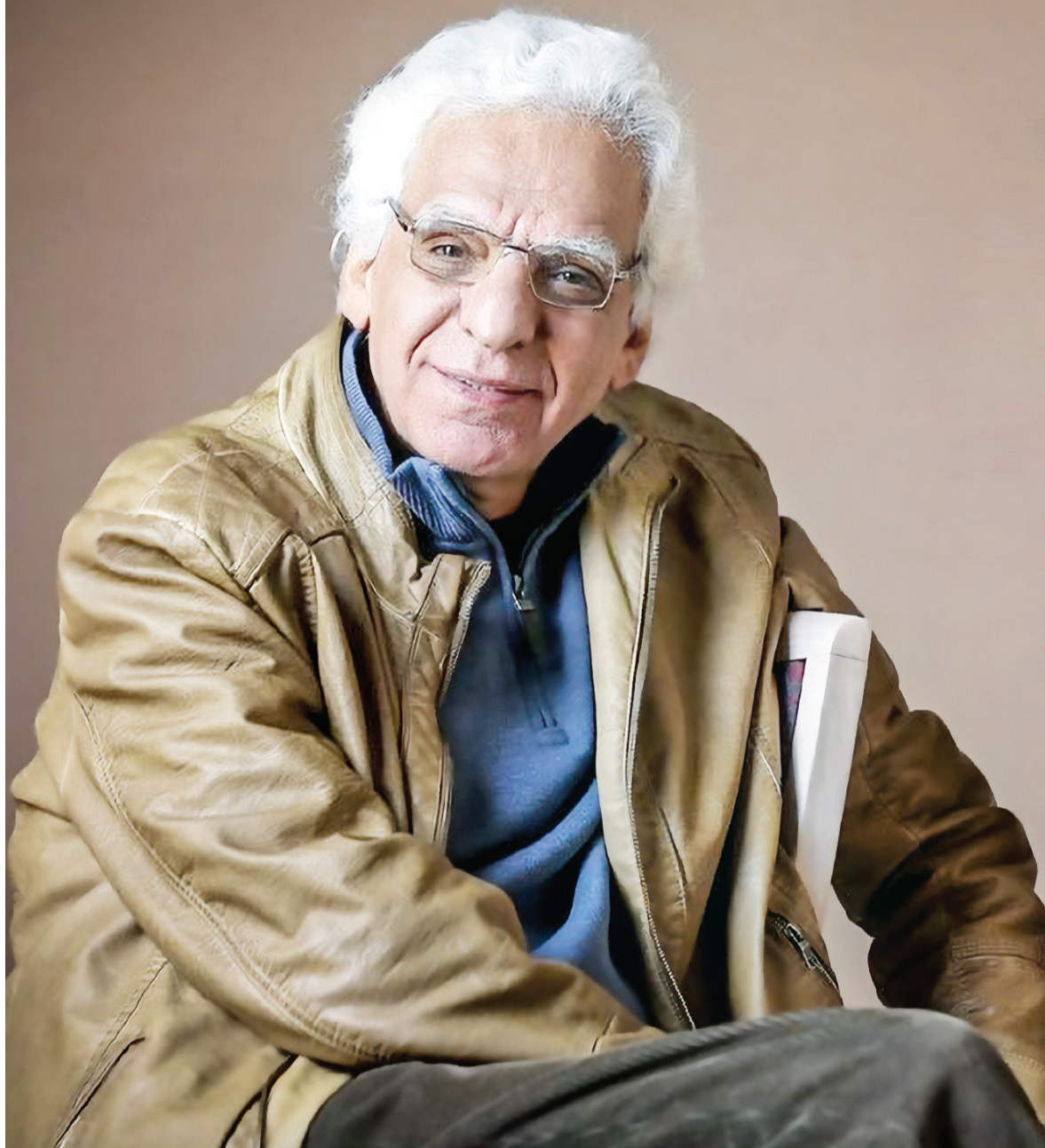
## فیلم های دو هفته کارگردانان کن

فهرست فیلم های بخش جنبی دو هفته کارگردانان کن (Directors' Fortnight)، با حضور ۲۲ فیلم از کشورهای مختلف اعلام شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، بخش دو هفته کارگردانان کن با کمدی درام «زندگی من» ساخته سوفی فیلس، کارگردان فرانسوی افتتاح خواهد شد که درست قبل از مرگ ناپهنگام او، تابستان گذشته فیلمبرداری شد و پس از تولید، توسط خانواده اش تکمیل شد. فیلم اختتامیه هم «اسلحه های پلاستیکی»، ساخته ژان کریستف موریس، درباره مردی است که در سفری به دانمارک دستگیر می شود و متهم به قتل همسر و سه فرزندش است. دو هفته کارگردانان کن که در سال ۱۹۶۹ توسط اتحادیه کارگردانان سینمای فرانسه ایجاد شد، بخش جنبی مستقل در جشنواره فیلم کن است که به نمایش منحصر به فردترین اشکال سینمای معاصر اختصاص دارد که برخلاف بخش رسمی کن، غیر رقابتی است و به نمایش فیلم های کوتاه، نیمه بلند و بلند، داستانی و غیر داستانی، اکتش زنده و انیمیشن اختصاص داد.

## کارنامه فیلمساز

# فیلمسازی که می خواست ایرانی باشد

خوانش میراث سینمایی کیومرث پوراحمد  
به بهانه نخستین سالمرگش



عکس: کوروش جوان

کودکان و نوجوانان دریافت. او در سال ۱۳۵۵ برای آنکه مجوز ساخت فیلم در کانون را بگیرد، فیلم کوتاه «هدف» را با اقتباس از داستان بهرام صادقی ساخت و توانست در سال ۱۳۵۶ فیلم «زنگ اول، زنگ دوم» را برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بسازد که جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره جهانی کودکان همان سال را گرفت. کیومرث پوراحمد همان سال درباره جبار باغچه بان فیلم «هرگز نمیرد آنکه...»، و در سال ۱۳۵۷ مستند تلویزیونی خلیج فارس؛ جغرافیای فقر و غنا را ساخت. در سال ۱۳۵۸ فیلم آوازه خوان او جایزه بهترین فیلم زنده حرفه ای را از جشنواره کودک ایران و دیپلم افتخار دانشکده هنرهای دراماتیک را برای بهترین کارگردانی گرفت. او در سال ۱۳۵۹ فیلم کوتاه «به ترتیب قد» را ساخت. اولین کار پوراحمد بعد از انقلاب، نویسندگی فیلمنامه «قصه خیابان دراز» به کارگردانی محسن تقوایی بود. این خیلی مهم است که نخستین تجربه یک فیلمساز در جهان سینمایی چه باشد، چراکه ممکن است او جهان سینمایی خودش را بر مبنای همان تجربه بنا کند و تداوم بیخشد. وقتی کارنامه پوراحمد را مرور می کنیم، رد ادبیات در آن پررنگ است و این شاید بی تاثیر از همکاری او با نادر ابراهیمی به عنوان یک نویسنده و شیوه ورود این فیلمساز به سینما نباشد. همکاری او با نویسندگان از جمله «هوشنگ مرادی کرمانی» را می توان تداوم همان راهی دانست که با «نادر ابراهیمی» آغاز شد.

از سوی دیگر هم کیومرث پوراحمد با نوشتن و قلم پیوند می خورد. او پیش از همکاری با نادر ابراهیمی، فعالیت خود را با نقدنویسی به ویژه در ماهنامه فیلم آغاز کرد و همواره به اندازه ای که با دوربین سروکار داشت، با قلم و نوشتن هم سروکار داشت، حتی تا آخرین لحظه مرگ. چنان که گفته اند پیش از مرگ دست نوشته ای هشت صفحه ای از خود بر جای گذاشت. او همچنین اهل نوشتن داستان و رمان بود و بهار به نویسی هایی که برای مجله «فیلم» می نوشت هم از شوق او به نوشتن برمی آمد. از این رو گزاره نیست که او را کارگردانی بدانیم که نه فقط با دوربین و تصویر که با کاغذ و قلم هم تنیده بود.

### قصه های مجید، نماد نوجوان ایرانی

بدون شک آنچه نام کیومرث پوراحمد را بر سر زبان ها انداخت و موجب شهرت او شد، مینی سریال «قصه های مجید» بود. داستان پسر نوجوان اصفهانی ای که همراه با مادر بزرگش، «بی بی» زندگی می کند و هر قسمت هم درگیر ماجراهای مختلف و روزمره زندگی می شود. آنچه اهمیت «قصه های مجید» را بیش از ارزش های نمایشی و دراماتیکش قرار می دهد، ظرفیت های فرامتنی آن در نسبت با تجربه و هویت نوجوانی است؛ اثری که فقط یک اقتباس از کتاب و داستان های هوشنگ مرادی کرمانی نبود، انعکاسی از نوجوانی نسلی بود که یکی از حساس ترین برهه های کنونی تاریخ معاصر را طی می کرد. دوران پسا جنگ و ظهور جامعه ای که در آغاز دوره سازندگی قرار گرفته بود و به تدریج تضادها و تناقض هایش که با تقابل های سنت و مدرنیته گره خورده بود، در حال بروز بود و بالطبع با بحران های فردی و اجتماعی خاص خودش همراه بود؛ دورانی که بی شباهت به دوران نوجوانی و التهاب تجربه بلوغ نیست. از این حیث قصه های مجید فارغ از سبوه های دراماتیک اش، وضعیت استراتژیک این دوران و تجربه نوجوانی در آن دوره را هم بازتابی می کند. در واقع مجید نماد و نمودی از نوجوانی نسل های دهه های ۵۰ و ۶۰ است که یکی از دشوارترین دوران نوجوانی را طی کرده اند؛ نوجوانانی که با محدودیت ها و محرومیت های آن دوره همزیستی مسالمت آمیز داشتند که حالا تعریف و توصیف آن برای نوجوانان امروز شاید قابل هضم نباشد که نوجوان امروزی، زیست - جهان مجید و هم نسلان او را نه درمی یابد، نه حتی برمی تابد. روابط مجید و بی بی که از هم دلی تا کشمکش را در برمی گرفت، ضمن اینکه روایتی از تضاد نسلی بود به نوعی تقابل جهان سنت با جهان مدرن را هم بازتابی می کرد که در دیالکتیک آن، نسلی برآمد که همواره بین احترام و استقلال در نوسان بود و هویتش شکل گرفت. قصه های مجید با روایت در دو مکان خانه و مدرسه، این هویت برساخته شده را به تصویر می کشد؛ هویتی که فهم آن به درک دهه های ۵۰ و شصتی هایی که امروز میان سالی را از سر می گذرانند کمک می کند. در واقع «قصه های مجید» حالا دیگر قصه های یک نوجوان یا دوره نوجوانی نیست، امکانی برای فهم یک میانسال و میانسالی در وضعیت اکنون است. میانسالانی که بسیاری از درد و رنج ها، غم و شادی ها، رؤیاهای و فقدان ها، کام ها و ناکامی های امروزشان ریشه در آن دوران دارد و با بازنگری در قصه های مجید می توان به خوانش و واکاوی آن دست زد. موفقیت و استقبال از «قصه های مجید» آندری بود که او تصمیم می گیرد پس از اتمام سریال چهار فیلم سینمایی هم براساس قصه های کتاب بسازد. «شرم»، «صبح روز بعد»، «نان و شعر» و «سفرنامه شیراز». البته دو فیلم اول بسیار دیده می شوند و حتی در جشنواره فجر مورد تحسین و تقدیر قرار می گیرند، اما دو فیلم دوم به اندازه قبلی ها دیده نمی شود.

### آغازی قلمی

اغلب کیومرث پوراحمد را یا با مینی سریال «قصه های مجید» می شناسند یا با فیلم «شب یلدا» به یاد می آورند و شاید کمتر کسی به خاطر بیاورد که او فعالیت هنری اش را با دستیار کارگردانی نادر ابراهیمی در مجموعه تلویزیونی «آتش بدون دود» در سال ۱۳۵۳ آغاز کرد. این همکاری انگار فرصتی بود تا پوراحمد با دو مقوله ادبیات و کودک آشنا شود و تقدیر سینمایی اش به آن گره بخورد. علاقه دیرینه پوراحمد به سینمای کودک را می توان در فعالیت های او در کانون پرورش فکری



رضا صائمی  
خبرنگار گروه فرهنگ

یک سال از مرگ ناباورانه و مبهم کیومرث پوراحمد می گذرد؛ در سالی که با خبر قتل داریوش مهرجویی گره خورد تا یکی از تلخ ترین سال های تاریخ سینمای ایران رقم بخورد. نامش کیومرث بود اما پوراحمد همه را یاد مجید می اندازد، قصه های مجید و ماجراهایش که نه تنها بخشی از خاطره جمعی مردم است که انگار بازتابی از هویت نوجوانان ایرانی را هم در خود نهفته دارد. گرچه دوران متأخر سینمای پوراحمد، دوران افول و تنزل سینمای او بود و انگار چشمه خلاقیتش در تولید فیلم خشک شده بود، اما نمی توان منکر ارزش های هنری و اجتماعی سینمای او شد. او توانسته با خلق جهان سینمایی خود دست کم تا پیش از دهه ۹۰، یکی